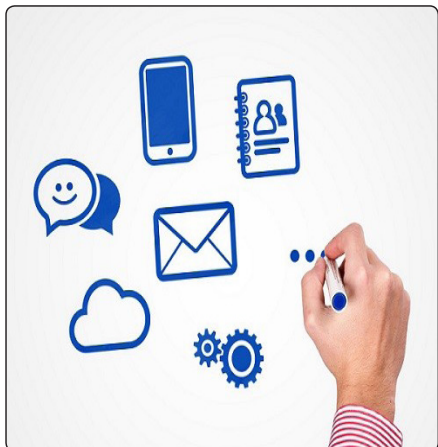
تعلیم در مدرنیته
« صفحه ۴ »جنگ در حریم کر بلا جنس دیگری است
« صفحه ۳ »تحریم ظریف، تحریم دیپلماسی
« صفحه ۲ »معرفی راه های ارتباطی با نشریه
« صفحه ۶ »من مصرف می کنم پس هستم
« صفحه ۶ »توئیت گردی تلنگر
« صفحه ۵ »

سخن آغازین



خدای بزرگ را شاکریم که پس از گذشت ۱۰ ماه از تولد دوباره ی نشریه تلنگر، این شماره ماهنامه تلنگر را با وجود تمام محدودیت ها میهمان چشمان شما عزیزان هستیم. اینک؛ نشریه تلنگر به شکرانه وجود دانشجومعلم و مخاطبین پرسشگر خود و با حضور کادر اجرایی مجاهد و دغدغه مند مفتخر است که می تواند خود را به عنوان فعال ترین نشریه دانشجویی استان البرز معرفی کند. **تلنگر**، تلنگر به سکوت های از روی ترس و خاموشی های از روی منفعت است، **تلنگر** صدایی است از بلندای تفکر و تفحص دانشجومعلمانی که قلم های خود را در برابر، ظلم، جهل، رکود و سکوت عَلم کرده اند، **تلنگر** صدای آنانی است که قائل به اصلاحات حقیقی و استحکام حقیقت هستند! **تلنگر** یک تلنگر است و یادمان باشد گاهی شاید برای تغییر یک تلنگر کافی باشد... حال مانند همیشه، آغوش خانواده ی بزرگ نشریه تلنگر، برای افراد مستعد و اهل قلم که برای آرمان و حقیقت تلاش می کنند باز است، به امید گسترش عدالت، شرافت و آزادی...

مدیرمسئول و سردبیر: محمدامین شیخی



تحریم ظریف، تحریم یک دیپلماسی

فرهاد پادیر
کارشناسی علوم اجتماعی

آنچه در گفتمان با استکبار جهانی مهم است، لبخند یا مقاومت؟!

مطلب، میتوان به صادر شدن دو حکم بازداشت برای مرحوم هاشمی رفسنجانی که اولین جرقه‌های مذاکره با غرب در دولت ایشان زده شد و محور شرارت خواندن ایران زمانی که رئیس‌جمهور دولت هفتم و هشتم از گفتگوی تمدن‌ها دم می‌زد، اشاره کرد. و اکنون نیز برای اولین بار وزیر خارجه‌ای که لقب سردار دیپلماسی را یدک می‌کشد، تحریم شد. تحریم ظریف نه تنها منجر به تنزل جایگاه او در بین مردم نشد بلکه موج حمایت اهل قلم و اهل شمشیر را به همراه داشت، همچنین سلاخی کلمه‌ی مذاکره و اثبات ناکارآمدی گفتمان همراهی با نظم نوین جهانی (همان عدم تقابل با آمریکا) از دیگر نتایج تحریم ظریف بود. و در پایان تکرار وقاحت آمریکا در برابر نرمش هر چه بیشتر بیش از پیش نمایان شد، چرا که در میدان نبرد با آمریکا بیش از آنکه دیپلماسی لبخند چاره‌ساز باشد، مردانی از جنس قلب های قوی پر از ایمان راهگشا هستند.

نرسیدن تعامل و تساهل نه تنها حیات مذاکره بلکه حیات سیاسی خودشان نیز با خطر مواجه شود. نتیجه مذاکرات به **برجام** ختم شد و لقب **سردار دیپلماسی** هم از آن ظریف شد. اما همین سردار دیپلماسی نتیجه مذاکرات و خلاصه برجام را «تقریباً هیچ» عنوان کرد. با خروج یک طرفه آمریکا از برجام، کمرنگ شدن امید به برقراری رابطه‌ای دوستانه با کشوری که تاریخ جز از بدعهدی و فریبکاری آن یاد نمی‌کند، در بین آحاد جامعه مشهود بود؛ اما تحریم سردار دیپلماسی تیری بود بر کالبد مذاکره با غرب! در واقع آمریکایی‌ها نه فقط شخص ظریف بلکه مدل فکری او را نیز تحریم کردند و بار دیگر **نشان دادند که در منظومه فکری آمریکایی‌ها منطق دیکته و زور حاکم است تا منطق مذاکره و تعامل**. سعید جلیلی می‌گوید: هر زمانی که گفتمان دولتمردان ما به سمت مذاکره، عدم تقابل با آمریکا و همراهی با نظم نوین جهانی سوق پیدا کرد، آمریکا **جری‌تر** شد. از نمونه‌های تاریخی برای تایید این

اگر محمدجواد ظریف را نماد تعامل و تساهل با غرب بدانیم شاید سخنی به اغراق نگفته باشیم. در ابتدای کار ظریف به عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، گفتمان حاکم بر سیاست خارجه با بیان جملاتی سراسر امیدوارانه به شکل‌گیری رابطه‌ای نودوستانه و عاری از مفاهیم مقاومت و همچنین نفی خصومت و دشمنی دیرینه ایران و غرب، فضای سیاسی موجود را به سمت مذاکره، تعامل و تساهل پیش برد. محمدجواد ظریف که دکترای خود را از دانشگاه دنور ایالت کلرادو گرفته، به واسطه‌ی اقامت طولانی مدت و آشنایی حداکثری با جامعه آمریکا امید به رقم خوردن فصلی تازه و نو بین ایران و غرب را با دوز بالایی در بین سیاسیون و مردم تزریق نمود. گویا لیدرهای مذاکره با غرب به خوبی از تزریق دوز بالایی از امید خبر نداشتند چرا که این امکان را به وجود می‌آورد که در صورت به نتیجه



جنگ در حریم کربلا جنس دیگری است

مهران شفاعتی
کارشناسی علوم اجتماعی

حرمت شکنی در شهر مقدس کربلا، کانون وحدت شیعیان

حال عراق، تداعی کننده وضعیت ایران در ۱۳۶۸ می باشد که غرب جنگ خود را از حالت نظامی به فرهنگی تغییر داد و جنگی به نسبت خطرناک تر از جنگ سخت و با شیوه ای مدرن در راستای تقدس زدایی از مقدس ترین مکان شیعیان جهان به منظور بی اثر کردن تدریجی قدرت شیعه و تسلط قدم به قدم غرب به عراق در حال رقم خوردن است. لیبرال هایی که به خوبی کار تشکیلاتی را در همه ممالک اسلامی برای تسلط بر فرهنگ اسلام انجام و گاهی پیروزی و گاهی شکست هایی نصیبشان شده است، باید دید در عراق جدید چه گروهی اعم از اسلام گرا یا لیبرال دست برتر را در این جنگ و رویارویی فرهنگی خواهند داشت؟! حال، کرب و بلا و دیگر شهر های مقدس شیعه شاهد یک رویارویی سخت تر و خطرناک تر از داعش خواهند بود. به نوعی عمیق ترین نزاعی که اسلام با غرب داشته است! جنگ فرهنگی... در این رویداد نفسگیر آیا شکست از آن ما خواهد شد یا پیروزی؟!

هجوم ناتو و حمله وحشیانه داعش را به خود دیده است. گویا سختی و بلا همیشه با این شهر عجین شده است. حال سال هاست که دشمن با برنامه ریزی و صرف بودجه های کلان برای جنگ در منطقه خاورمیانه و تسلط بر شیعیان منطقه تلاش می کند و با شکست های سنگینی نیز مواجه شده است. شکست هایی که خروج نیروهای آمریکایی، نابودی داعش و تغییر میکانیزم های جنگ در عراق را همراه داشته است. شکست های پیاپی و هزینه های سنگین جنگ سخت، نامتناسب بودن استعمار کهن با شرایط امروزی، در کنار ناتوانی مبارزه با هژمونی مولد شیعه در عراق و خاورمیانه، همه و همه دست به دست هم داد تا جنس مبارزه های تمدنی تغییر کند. گویا باید اکنون دوره جنگ سخت و کشت و کشتار در عراق به پایان برسد و تمام امکانات و هزینه ها باید برای یک جنگ فرهنگی تمام عیار به شیوه ای نوین و با خرج نفوذی ها و لیبرال های عراق از بیت المال این کشور به کار گرفته شود. زمان

چندی پیش شاهد برگزاری مراسم افتتاحیه بازی های قهرمانی غرب آسیا در ورزشگاه بین المللی شهر کربلا بودیم. این ورزشگاه با صرف هزینه ای ۱۰۰ میلیون دلاری در تاریخ ۱۲ مه ۲۰۱۶ توسط شرکت بهادر کول ترکیه افتتاح شده است. مراسمی که سرانجام آن به تقدس زدایی شهر مقدس کربلا منجر شد. شهری که سال هاست به مرکز بزرگ ترین گردهمایی جهان در روز اربعین حسینی مبدل شده و یکی از مقدس ترین زیارتگاه های شیعیان و مسلمانان جهان، الگوی یک جدال سنگین سنت و مدرنیته و زمینه ساز وحدت و گامی در جهت یک تمدن سازی اسلامی می باشد. کربلا از زمان شهادت سید و سالار شهیدان تا به این دوران، روز های پر فراز و نشیبی همچون حکمرانی حاکمان فاسد و رژیم بعث عراق تا



محمد نیک سرشت
کارشناسی علوم تربیتی

تعلیم در مدرنیته

و فحص صورت نمی گرفت و... ولی می گویم گاهی یک آموزگار با یک کلمه آتش در دل هزاران نفر می زند و چشم و گوش آنان را برای دیدن و شنیدن چیزها و سخنانی که تا آن زمان نمی دیدند و نمی شنیدند باز می کند اما در قلمرو آموزش رسمی فقط معلومات رسمی را می توان آموخت. قواعد آموزش و پرورش هم برای بهتر آموختن آموزش های رسمی است. آیا در مواقع بحرانی که آموزش های رسمی ناکافی بنظر می آید مربیان فیلسوف یا فیلسوفان تربیت وارد میدان می شوند و این معمایی است که چرا در فلسفه معاصر تعلیم و تربیت جایگاهی که باید و شاید ندارد. ما از فیلسوفان توقع نداریم که قواعد و روش های تعلیم و تربیت را بیاموزند بلکه می خواهیم بما بگویند که چه چیزها را می توانیم و باید بیاموزیم. اما فلسفه که شکل فکری دانش انسان را شکل خواهد داد و انسان را با آگاهی ها نجات می دهد. اما مدرنیته که آموزش را نه به معنای زیر بنای تمام چیزها بلکه به معنای کالایی برای تجارت و صنعت می نگرد و این باید در اندیشه ها گنجانده شود تا بتواند ذهن مشوش شدهی مدرن بشر را نجات دهد.

و متقدمان کاری جز حفظ کردن و بخاطر سپردن الفاظ نمی کردند. این حرفها گزارش تاریخ نیست و اگر به سهولت بر زبان تحصیل کرده ها جاری می شود از آن است که عقل و فهم را خاص عالم خود می دانند. عقل و فهم عالم جدید عقل ها و فهم های گذشته را پوشانده است یعنی عقل مدرنیته صورتی خاص از عقل است و آثاری دارد که عقل در گذشته نداشته است. این عقل چیزهایی را درک می کند که عقل عوام سابق درک نمی کرد و بسیار چیزها که در عالم قدیم درک می شد از حدود ادراک عقل جدید بیرون مانده است. به این جهت است که گوشها به یک اندازه و یکسان پذیرای سخن ها نیستند و چه بسا که سخنی در گوش می گیرد و در گوش دیگر اثر نمی کند و حتی یک دانشمند توجه نمی کند که علم قدیم علم حفظی و تکرار الفاظ نبوده است. معمولاً گمان می کنند که هر چیزی را در هر وقت به هرکس (اگر از هوش و درک کافی بهره داشته باشد) می توان آموخت و اگر کسی چیزی بر خلاف این قول مشهور بگوید اعتراض می کنند که اگر آموزش و آموختن ممکن نبود مدرسه دائر نمی شد و پیامبران مبعوث نمیشدند و بحث

دنیای مدرن بی آنکه ذره ای رحم و مروتی برای انسانیت قائل باشد با هجوم بی امان خود دنیایی را در حال ترسیم است که خطرناک و غیر قابل تصور می باشد. تعلیم و تربیت که اصل آگاه سازی جامعه را به عهده دارد در عصر مدرنیته تبدیل به تجارت و صنعت خواهد شد و میل به سمت آن پیدا خواهد کرد لذا ماهیت خود را از دست خواهد داد. تعلیم و تربیتی که محتوای خود را به مدرنیته باخته و به اجبار در غل و زنجیر تجارت گرفتار شده است دیگر توان یارای آگاهی و اندیشه را نخواهد داشت. اگر کسی بگوید که متقدمان روش درست آموزش را نمی دانستند درباره درستی و نادرستی سخن او نباید بحث کرد زیرا سخنش نه درست است نه نادرست بلکه بی وجه و بی مورد است. ما این جمله را بسیار شنیده ایم که: «در نظام های آموزش قدیم درس ها را حفظ می کردند.» وقتی چنین سخنی را می شنویم باید فکر کنیم که این حکم در قیاس با وضع آموزش و پرورش جدید بیان شده است یعنی آموزش و پرورش جدید در پی فهمیدن است


توئیت گردی تلنگر (کارگروه رسانه نشریه تلنگر)

علی اکبر رائفی پور
@a_raefipour1



#حسن_عباسی با شکایت علوی **#وزیراطلاعات** ،
صرفاً بخاطر پرسیدن یک سوال به زندان رفت.
در ظاهر، بنفش ها تا انتخابات اسفند ماه خیالشان از
فریادهای او راحت شد، اما عباسی هفتاد سال هم که
در زندان باشد آن سوال هنوز هم به قوت خودش باقی
است
#آمدنیوز

سجاد صدیقی
@SajjadSedighi




توی این دنیای نامرد چه خبره!
غصه پر از درد
فلسطین، میانمار، یمن، بحرین، نیجریه، امریکای لاتین و
لیبی سینه هایمان را پر از درد کرده است.
یا **#صاحب_الزمان**، هستی ما شمايید، دارایی ما
شمايید، امید ما شمايید، داغ **#کشمیر** دیگر قابل
تحمل نیست...
به ظهورتان منتظریم، خودتان دست به دعا شوید...

سید یاسر جبرائیلی
@syjebraily




آقای عارف گفته اند "امیدوارم مسئله جدی به نام رد
صلاحیت نداشته باشیم" و افزوده اند: "هرکسی را در
لیست نمی گذاریم... حضور اشخاص آلوده به فساد را
و تو خواهم کرد".
خیلی جالب است که ایشان برای خودش
حق گزینش و رد صلاحیت قائلند، اما امیدوارند
#شونای_نگهبان به وظیفه خود عمل نکنند.

جواد کریمی قدوسی
@KarimiGhodousi



امام میفرمایند: آن روزی که **#مردم** صحنه را ترک کنند
همه ما شکست خورده ایم.
اتفاقات موجود برای این است که مردم امروز صحنه را
ترک کنند و مطالبه ای نداشته باشند.
#دولت

سید محمود نبویان
@nabavyan




برادر عزیز و عالم و انقلابی ام آقای **#حسن_عباسی**
با شکایت وزارت اطلاعات به بند کشیده شد!
متأسفانه **#وزیراطلاعات** و برخی قلیل در این وزارت
خانه به جای برخورد با فتنه گران موجود در دولت برخورد
با انقلابیون را دستور کار خود قرار داده اند! اما آیا
#فتنه خط قرمز است یا انقلابیگری؟!

عباسعلی کدخدایی
@Kadkhodaei_ir




درهرجمعی ازجمله **#شونای_نگهبان** دعوای طلبگی
طبیعی است؛ گاهی صداها بلندشده و مباحث
داغ، لیکن بعد از آن دوستیها پابرجاست.
دشمنان طمع نکنند! اعضای شونا باوجود اختلاف
نظر، باهم برادرند؛ تذکار رهبر بزرگوار شایسته عنایت
است؛ دشمن اصلی را با دوستانی که با آنها اختلاف
نظر داریم اشتباه نگیریم.

محمدسعید احدیان
@MsAhadian



اول پیام دادند که باید کشتی شان را آزاد
کنیم، بعد از آن پیشنهاد معاوضه ی همزمان
کشتی ها را مطرح کردند و سپس عراقی ها را
با قسم حضرت عباس واسطه قرار دادند که
اول ایران کشتی شان را آزاد کند.
اما در نهایت این اقتدار جمهوری اسلامی بود
که اول آنها را مجبور به آزادی **#گریس_1**
کرد.

mahdi mohammadi
@mmohammadii61



آزادی نفتکش ایرانی در حالی که نفتکش
انگلیسی در توقیف ایران است و تعهدی هم
برای آزادی آن داده نشده، دقیقاً به این
معناست که تکاور نیروی دریایی سپاه بهتر
بلد بود 'به زبان دنیا' حرف بزند تا دیپلمات
امریکا دیده و انگلیسی دان ما!

هدف و معیار برتری تجملات باشد، خود به خود استفاده از وسایل رسیدن به این هدف را نیز ایجاب می کند. از دید وبلن، این سبک از رفتار در گذشته به طبقه تن آسان منحصر می شد اما این نمایش ها اکنون سراسر ساختار اجتماعی را فراگرفته و عمومیت یافته است. در این میان طبقه فقیر گرچه در وضعیتی بهتر از گذشتگان قرار دارد اما از آنها بیشتر رنج می برد و دائما احساس محرومیت می کند چرا که نیاز های کاذب، اولویت مهمی برای آنان یافته که در صورت عدم پاسخگویی بدان، احساس محرومیت به وجود می آید. رشد و عمومیت یافتن فضای مجازی نیز بر وسعت و عمق این فرهنگ رقابتی افزوده است. با توجه به نظریات زیمل، جامعه شناس آلمانی، می توان گفت که انسان ها بنابر ویژگی شی انگاری شان که به واقعیات اجتماعی اعتبار و ارزش می بخشند، به نیاز های کاذب نیز اعتبار و ارزش می بخشند و رفته رفته این نیاز ها، حیات جداگانه ای می یابد و نسبت به انسان پدیده بیرونی و جبری می شود، به باید ها و توقعات خارج از اراده انسان تبدیل می شود که انسان ها را مجبور به برآوردن این توقعات می کند. در واقع، مادیات به جای آنکه تحت اراده افراد باشند، افراد را در بند بدست آوردن خود می کنند و بدین ترتیب، از خصلت ذاتی خود بیگانه می شوند. از طرفی شاید دیگر بیش از آنکه استفاده از غذاهای لوکس، تفریح های لوکس، خانه و ماشین های لوکس و... فی نفسه ارزش و لذت داشته باشد، عرضه و نمایش آن به دیگران، لذت بخش شده و این یعنی مادیات و رفاهیات که رنگ لاکچری به خود می گیرند، بار از ماهیت ذاتی لذت بخش خود بیگانه میشوند.



من مصرف می کنم پس هستم !

مهدی مرادیکی لو
کارشناسی علوم اجتماعی

جامعه توفیقی بدست نیاورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. پس انگیزه تلاش وقفه ناپذیر در یک فرهنگ رقابت آمیز، ریشه در هراس از دست دادن حرمت نفس دارد که در آن، هر کسی در تکیه پوی آن است که از همسایگان پیشی گیرد. حال زمانی که بنابر ارزش های اجتماعی، مبنای رقابت در جامعه مالکیت، ثروت، تن آسانی و... می شود، آسیب مصرف گرایی پدید می آید. به نظر وبلن، مصرف چشم گیر، تن آسانی چشم گیر و نمایش چشم گیر نماد های بلند پایگی، ابزار این رقابت هستند. بنابراین مصرف گرایی، ریشه در فرهنگ رقابت آمیز و ارزش شدن مادیات دارد چرا که وقتی در فرهنگ رقابت آمیز،

در تحلیل پدیده اجتماعی مصرف گرایی، به نظر باید جان مایه اصلی و روح آن را در دو چیز جستجو کرد؛ فرهنگ رقابت آمیز و ارزش های اجتماعی. وبلن، جامعه شناس و اقتصاد دان آمریکایی، در ریشه یابی اجتماعی از رقابت مفهوم حرمت نفس را مطرح کرده بود. وبلن می گفت که حرمت نفس، همان بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قائل می شوند. یعنی منشا حرمت نفس، بیش از آن که در درون فرد باشد، ناشی از قضاوت و نگاه دیگران نسبت به فرد است. حال اگر شخص در رقابت برای کسب حرمت نفس در

دعوت به همکاری

از مخاطبان عزیز نشریه تلنگر دعوت می شود تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق پیامرسان تلگرام به آی دی : @Talangor_phf ارسال نمایند

ماهنامه فرهنگی - سیاسی بسیج دانشجویی پردیس حکیم فردوسی البرز

مدیرمسئول و سردبیر: محمدامین شیخی

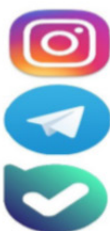
مدیراجرایی: فرهاد پادیر طراح: محمدحسین کربلایی

هیئت تحریریه:

فرهاد پادیر، مهران شفاعتی، مهدی مرادیکی لو، محمد نیک سرشت

ویراستار: مصطفی رحیم زاده، میثاق شمسنینی

روابط عمومی: امیر کریمی



@Basij_phf

پایگاه اطلاع رسانی